

ارتش ایران در مرزهای یمن جنوبی

امپریالیسم آمریکا در همان حال که جنگ عادلانه خلقی - های عرب بر ضد تجاوز اسرائیل را با هدفستی سوسیال - امپریالیسم شوروی فرو نشانده و دولت مصر را بهای "نقطه صلح" آورده است باحرای نقشه جنایتکارانه برداشتهای مبنی بر تدارک هجوم نظامی بر کشورهای عربی مشغول است. این نقشه از سه طریق اجرا میشود: یکی از طریق تسلیم روزافزون اسرائیل و ترمیم قوای از دست رفته او. دیگر از طریق آمادگی تاوگان هضم آمریکا در دریای سرخ. و دیگر از طریق نفوذ ارتش ایران در عمان و جزایر خلیج فارس.

چندی پیش اظهارات عربی از حضور ارتش ایران در عمان خبر دادند و نخست وزیر ایران که یک روز به تادیب خبرپردازی روز دیگر چاره ای جز تائید ندید. رژیم محمد رضا شاه برای اینکه از ضایع امپریالیسم ها در خلیج فارس و از جریان مداوم نفت پارویا و آمریکا و زاین پاسداری کند نه فقط جزایر سکنه تبت بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را اشغال کرد بلکه از رژیم پوسیده "قاپور طلبید که جزایر "المقتم"، "سلاح"، "گوریا" و "موریا" را بمنظور اشغال نظامی بر اختیار او بگذارد و ارتش خود را در مرتفعات جزایر مذکور مستقر کرد.

اهمیت نبردی را که هم اکنون در عمان میگردد میتوان از صاحب "سخنگوی" حبه" تودهای رهائی بخش عمان و خلیج عربی دریافت که در بهار امسال گفت: "ما امروز یک ششم سلطان نشین عمان را، بدون حساب کویر، در اشغال داریم. مساحت عمان سه برابر کویت، بحرین، قطر، و دولت های امارات متحده عربی است و چهار برابر آنها جمعیت دارد. اگر عمان سقوط کند بقیه قادر بقاومت نخواهند بود."

در عمان کلبه، کادریهای درجات بالا، وزیر دفاع، سر فرمانده ارتش، مدیر اطلاعات و غیره عمکی انگلیسی هستند و از این جهت نهضت نجات بخش خلق مستقیماً با امپریالیسم انگلستان که مورد حمایت امپریالیسم آمریکا میباشد مواجه است. ارتش محمد رضا شاه در واقع کمکی است که برای امپریالیسم های انگلیسی و آمریکائی فرستاده میشود.

اینک تکامل حوادث گواهی میدهد که هدف دولت ایران فقط همکاری با عمان در سرکوب نهضت آزادی بخش ظفار نیست بلکه در کنار عربستان سعودی نقش تحریک و توطئه بر علیه جمهوری دموکراتیک تودهای یمن را که یکی از پایگاههای مهم جنبش ضد امپریالیستی خلق های عرب است برعهده دارد. روز ۶ دسامبر (۱۵ آذر) سخنگوی سفارت جمهوری دموکراتیک تودهای یمن در بیروت چنین گفت:

"کشتی های جنگی ایران که از پایگاه جامبهاری آینه بسوی سواحل عمان و یمن جنوبی در حرکت اند. از طرف دیگر هواپیماهای ایرانی بسوی سقط پرواز کرده اند و نیروهای ایرانی مقیم جزایر ابوموسی و الفخم اکنون در خاک عمان بسر میبرند. . . . و به موضع گیری در مرزهای یمن جنوبی مشغول اند. سپاهیان دیگری که تعداد آنها بر سه هزار تخمین زده شده و با پوشش هوایی پشتیبانی میشوند در ایالت چهارم و پنجم بسوی مرزهای مذکور روان اند."

سخنگوی سفارت جمهوری دموکراتیک تودهای یمن افزود که سپاهیان مذکور "قبلاً در طی نبردهای ماه اکتبر پنجمالی در ایالت پنجم ناحیه" شود، دست زده بودند."

سخنگو پیر از بیان اینکه در میان بقیه در صفحه ۲

یاری دشمنان نیرو بنده توفان را

دسائس سوسیال امپریالیسم شوروی

در محاصره جمهوری تودهای چین

به پیش ناخته و تا کجا تنزل کرده اند. از طرف دیگر بولتن خبرگزاری شوروی "نوروستی" در شماره ۴۴ اکتبر نوشت: "وجود بالفعل "دو چین" که بدت ها واقمیت داشته امروز نیز همچنان واقمیت است."

و در وصف بارود بسته "جانکایچک و پیروزی های او" چنین داد سخن داد: "رهبران تایوان بزودی توانستند خود را با تحولاتی که در اثر حوادث بین الطلی پیش آمد تطبیق دهند. . . . محافل رهبری تایوان در زمینه سیاست داخلی از اینکه در ۱۹۷۲ پنجمین نشست چهار ساله توسعه اقتصادی آنها یکملا اجرا شده و بسیار موجب تحکیم مواضع بین الطلی جزیره تایوان بنسبیه واحد مستقل گردیده است خوشنود اند. . . . کمیتش فعالیت های یکن در عرصه بین الطلی. . . . تا حد زیادی با تعرض اقتصادی تایوان خنثی شده است. . . . هغه اینها بنوبه خود گواه قانع کننده ای است بر ثبات وضع اقتصادی و سیاسی تایوان در جهان کمونی (نقل از روزنامه "لوموند" ۲۴ دسامبر ۱۹۷۲). کمترین زمانه ارتجاعی امپریالیستی میتوان در جهان یافت که با چنین تحسینی از رژیم ورشکسته "جانکایچک" بگویند. کاملاً آشکار است که سوسیال امپریالیست های شوروی بجان و دل میکوشند تا سیاست ایجاد دو چین را دوباره بصحنه بین الطلی بیاورند."

و اثر اطلاعاتی محرب خیر میدهند که واحد های ارتش شوروی متمرکز در مرزهای جمهوری تود ای چین طی سه سال اخیر از ۳۰۰ لشکر به ۴۴ لشکر بالغ شده است. و منابع جمهوری تود ای چین تعداد نفرات آنها را یک میلیون می شمارند. سرکرده "روزیونیست های شوروی" برزنف، "طی طرح بیمان" امنیت جمعی آسیا را که هدف عمده اثر بجا صوره جمهوری تود ای چین است و یکی دوسال بود کرد و خاک بی اعتنائی می خورد دوباره بیرون کشیده و جمع ایضا برای آن بقیه در صفحه ۲

سوسیال امپریالیست های شوروی در تحریک و توطئه بر علیه جمهوری تود های چین از توش به سیاه ترین نیروهای ارتجاعی بان ندارند. نمونه اش تبلیغاتی است که بر سر میا فرستادند لایا بارو را انداختند.

در اثنای لاما سرکرده "برود در اران نیت در سال ۱۹۵۹ برای نجات نظام بروداری به تلاش و بوجاهت های دست زده بود در ارانی زبانکه از لغو رسوم کهنه "عزازان ساله" اصلاحات دموکراتیک و سوسیالیستی ناراضی بود نه به شورش مسلحانه بشر علیه جمهوری تود های چین وارد است و آنگاه که این شورش با دستگیری بردگان سابق و خلیق از بند رستو "نیت در هم شکست وی به هتد گریخته چندی تحت حمایت حکومت توسعه طلب هند و بنا تشویق ضمنی خروشچف "سرکرده" روزیونیست های شوروی، بتلیغ بر علیه جمهوری تود های چین بشغول شد و چون کارش بجائی نرسید، بناچار خاموش گردید. اخیراً سوسیال امپریالیست های شوروی و مرتجعان هند "نظیر" گفته مسافرت برزنف بان "سار" این آذنگ پوسیده را بحرکت واد و دوباره باو امید بستند. مساحت شش هفته ای او در اروپا در اجزای سیاست ضد چینی سوسیال امپریالیست های شوروی انجام گرفت. نخستین منزل مسافرتش به واتیگان "این لانه" ارتجاع جهانی بود. سپس به سوئیس رفته و در آنجا با برده در اران مهاجرتی به شبانی و توطئه پرداخت. آنگاه چندین در هلند، انگلستان، آلمان غربی، ایرلند، اطریش، دانمارک، نروژ، سوئد، فنلاند و یوگوسلاوی های نهانی گذرانید. و بچلیو "مصر حدید" شوروی در شماره "اکتبر خیربان مسافرت این بازمانده" قرون وسطائی و ظهیر قرن ها ایستاد خلقی تبت را با آیدورتک منعکس ساخت. جمله "تبتان میرو" که در دهللی منتشر میشود خیر داد که در اثنای لاما از شوروی و مغولستان نیز بدید از خواهد کرد. این جریان نشان میدهد که سوسیال امپریالیست های شوروی در کینه تیزی نسبت به جمهوری تود های چین تا جمحد

توطئه «صلح» در ژنو

این جریان بخوبی نشان میدهد که امپریالیست های امریکائی و سوسیال امپریالیست های شوروی چه تحقیری نسبت بخلق ها و دول جهان و سازمان ملل روا میدارند. اما تمام این دسیسه ها نتوانست سوریه را که یکی از دول سه گانه متخاصم بود بشرکت بر "کنفرانس صلح" ملزم گردانند و بنام خاصی که برزنف در این مورد برای رئیس جمهور سوریه فرستاد بی نتیجه ماند. اعلامیه دولت سوریه در باره "کنفرانس صلح" چنین حاکی است:

"در برتو تماس های مختلف بویژه با مصر و امریکا در موقع دیدار وزیر خارجه امریکا از سوریه، در برتو جوانب مختلف اوضاع کمونی که نشان میدهد مانورهای بمنظور خد متبمنافع اسرائیل در کار است تا کنفرانس را بسوی بخت در اطراف مسائل فرعی که موجب دور شدن بی نهایت از مسائل اساسی خواهد کرد بد توجه کنند."

بقیه در صفحه ۲

درباره شاه ایران

روزنامه "زری ای پویولیت" ارگان حزب کار آلبا نسی در ۲۶ نوامبر مقاله بسیار جالبی زیر عنوان "نفت، این سلاح نیرومند در دست خلق های عرب، باید تا پایان بر ضد دشمنان آنها بکار آفتد" نگاشت که متاسفانه ماهنامه ما بعلت کسی گنجایش باننشار تمام آن قادر نیست. در پایان مقاله چنین گفته میشود:

"کلبه کسانی که در وضع کمونی، پنجوی از انجا و به بهانه های گوناگون، بر کشورهای عربی برای یازد اشتن آنها از نگار بردن سلاح نفت فتناری آورند، همانطور که اینک شاه ایران میکند، یا پرووکاتور و عامل مستقیم امریکا هستند و یا در بی منفعت خود میکردند."

د سانس سوسیال امپریالیسم شوروی . . . بقیه از صفحه ۱ مشغول شده است . هدف تجاوزکارانه این طرح بعدی آشکاراست که حتی دولتی مانند هند که سابقه دشمنی با جمهوری توده ای چین و وابستگی های اقتصادی و سیاسی و نظامی با شوروی دارد در ارضای آن تردید روان داشت ، و روزنامه لوموند باین مناسبت نوشت : " مسکو بیهوده تکرار میکند وعده میدهد که طبیعتاً پیمان امنیت جمعی بر روی گنیه مالک آسیا باز خواهد بود . لاقلاً در اوضاع واحوال کنونی روشن است که چنین پیمانی موجب نفرت ساختن چین خواهد شد " (۲ و ۳ سپتامبر) .

سوسیال امپریالیست های شوروی از دولت بنگال در که با تجاوز مسلحانه هند و تجزیه پاکستان بوجود آمد پایگاه دریائی گرفته اند و دولت هند وستان که در جزائر آندامان (در خلیج بنگال) پایگاه میسازد بمنظور آنست که شوروی ها از آنجا اقیانوس هند و تنگه مالاکا (بین مالزی و سوماترا) راه عبور از دریای چین به اقیانوس هند (راتحت نظارت بگیرند . همچنین سوسیال امپریالیست های شوروی بوسیله هند بر دولت سیکیم (در شرق نپال و مرز جنوبی چین) دست انداخته اند . پافشاری آنها در نگهداری ارتباط با دولت خاکسن لون نول و نغفه های ناهنجار آنها حاکی از لزوم وحدت با - باصطلاح نیروی سوم در کامیوج همه از این خواست سرچشمه میگرفت و میگرد که بتجزیه دولت کامیوج نائل آیند و در آنجا نیز پایگاههایی برای تکمیل محاصره جمهوری توده ای چین بدست آورند . نقشه جانشینان تزار در تجزیه مجدد پاکستان و ایجاد دولت هائی بنام بلوچستان و پختونستان بهمین منظور و نیز بمنظور استقرار نظارت بر مدخل دریای عمان و خلیج فارس مطرح شده است . آنها با بدست آوردن پایگاه دریائی ام القصر در ساحل عراق ، از جانب مغرب نیز امکان نظارت بر خلیج فارس را یافته و ناوگان جنگی خود را بارها در خلیج رژه داده اند . بزرگترین این رژه ها در پایان آذرماه صورت گرفت و ناوگانی مرکب از یک کشتی حمل و نقل نظامی ، یک زیر دریائی ، یک ناوشکن و چند ناوچه و اسکورت و موشک انداز در خلیج فارس بنام گردید اردوستانه قدرت نمائی کردند .

سوسیال امپریالیست های شوروی میدانند که بزرگترین مانع راه آنها در تقسیم جهان با امپریالیسم آمریکا ، جمهوری توده ای چین است . سلاح موثری که سوسیال امپریالیست های شوروی در دام کستری برای خلق ها و در رقابت با امپریالیسم آمریکا بکار میبرند - سلاحی که امپریالیسم آمریکا از نظیر آن محروم میباشد - سلاح عوام فریبی ، بهره برداری از حیثیت سوسیالیستی پیشین شوروی و نشانها به سوسیالیسم است و عظیم ترین نیروی که برای شکستن این سلاح بکار می افتد جمهوری توده ای چین است . این جمهوری کانون انقلاب جهانی و دستخبر نابیدر دفاع از خلق هاست . از اینجهت سوسیال امپریالیست های شوروی تشنه حمله و هجوم برآند . اما تحربه آلمان معتدلی در حمله بر شوروی استالینسی میتواند برای تزارهای کرملن درس عبرتی باشد . خلق هفتصد میلیونی چین تحت رهبری حزب کبیر کمونیست چین و مسلح به اندیشه پیروز کر مائوتسه دون هوشیار و آماده است که از زمین بزرگ سوسیالیستی خویش و از دستاورد های انقلاب دفاع کند و وظیفه خویش را در برابر خلق هادریاسداری از انقلاب جهانی انجام دهد . جمهوری توده ای چین هیچگاه منقرض نخواهد شد . خلق های جهان روز بروز بیشتر بر گرد او حلقه خواهند زد و تجاوز احتمالی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم را با تعرض انقلابی خود روبرو خواهند ساخت .

نشریات جدید

- جلد چهارم منتخب آثار رفیق مائوتسه دون .
- طرح برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر ایران . بهامعادل : ۱۰ ریال
- روشن فکران ، حزب و مبارزه مسلحانه . (انتقادی بر گاستریسم و نوارسم) بهامعادل : ۱۰ ریال
- آنها را از دفتر توفان بخواید .

توطئه " صلح " در ژنو . بقیه از صفحه ۱ " نظر باینکه این امر مارا از هدف خود که عبارت از طرح نقشه تخلیه کامل سرزمین های اشغال شده در ۱۹۶۷ است دور خواهد کرد و به تعیین و تصریح حقوق خلق فلسطین و تامین آن هیچ سودی نخواهد رسانید ،

" در پرتو همه اینها سوره تصیم دارد در کفرانس ژنو که قرار است در ۲۱ سپتامبر روز تشکیل شود شرکت نجوید " . صدور این اعلامیه ضربه بزرگ بر دیپلماسی امریکا و شوروی بود . دولت سوریه با وجود اصرار وزیر خارجه امریکا حتی حاضر نشد فهرست اسرای اسرائیلی را بپذیرد از تخلیه سرزمین های اشغالی بدولت اسرائیل تسلیم کند .

بسیاری از محافل مترقی عرب با فضا " کفرانس صلح " همت گماشتند و منجمله " جبهه توده ای آزادی بختر عمان و خلیج عربی " در اعلامیه خویش " درباره " کفرانس صلح " امریکائی در ۲۱ نوامبر چنین گفت :

" ما بر آنیم که کفرانس مورد نظر ممکن نیست کفرانس صلح باشد بلکه کفرانس تسلیم طلبانه خواهد بود (و با استفاده از تعبیرات زبان عربی : کفرانس سلام نخواهد بود بلکه کفرانس استسلام خواهد بود - توفان) . آغازی خواهد بود برای اجرای گنیه طرح های امپریالیستی بمنظور برانداختن مسئله فلسطین و آثار عظیم و سترک آن بزودی در انقلاب مسلحانه عمان و در رژیم مترقی یمن دموکراتیک و در مجموعه نیروهای انقلابی و ملی و دولت های عربی ملی و ضد امپریالیسم امریکا بظهور خواهد رسید . . . این کفرانس که خواست امریکاست حلقه ای

ارتش ایران در . . . بقیه از صفحه ۱ سپاهیان اسرائیلی مقیم برخی از جزائر جنوبی دریای سرخ ، و ناوگان هتتم آمریکا در حوالی باب المندب نیز فعالیت هائی بچشم میخورد نتیجه گرفت که " این حرکات ، نشانه وضع وخیمی است . " از طرف دیگر اعلامیه " جبهه توده های رهائی بخش عمان و خلیج عربی " مورخ ۲۹ سپتامبر (۸ دی) حاکی است که نبرد بین پارتیزان های ظفار و سپاهیان ایرانی که از طرف سپاهیان مزدور انگلیسی پشتیبانی میشوند درگیر است و برخی از خبرگزاری ها خبر میدهند که صد و چهل و دو سرباز ایرانی بقتل رسیده و یا مجروح شده اند .

اگر در نظر بگیریم که باب المندب ، بویژه در شرایط بسته بودن ترعه سوئز ، یکی از راههای مهم عبور نفت است ، و اگر در نظر بگیریم که همه خلق های عرب در نبرد بر علیه صهیونیسم و امپریالیسم در جبهه واحدی قرار دارند و تضعیف هر یک از آنها در تمام جبهه موثر است ، آنگاه رابطه نقشه تهاجمی بر ضد نهضت ظفار و جمهوری دموکراتیک توده ای یمن با حوادث ترعه سوئز و نبرد نفت روشن خواهد شد .

چندی پیش سناتور مرتجع امریکائی گلدواتر در وصف محمد رضا شاه گفته بود که " ایران مفهوم استفاده صحیح از قدرت را خوب میدانند " . زیرا که در نظر امپریالیسم آمریکا اگر محمد رضا شاه نفت ایران را به تاراج بدهد و در ازا دلار هائی که از این بابت بدست می آورد اسلحه آمریکا بی بخرد و آن را برای سرکوب خلق ایران و خلق های دیگر خاور میانه بکار اندازد " استفاده صحیح از قدرت " است . اما در واقع ، شرکت مستقیم ارتش ایران در سرکوب نهضت پر اقتضار ظفار و در تحریک و توطئه بر علیه جمهوری دموکراتیک توده ای یمن به جبهه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلق های خاور میانه وسعت بازم بیشتر خواهد بخشید و برادری و وحدت خلق ایران را با خلق های عرب تحکیم خواهد کرد .

ما مدخله جنایتکارانه محمد رضا شاه را در کشورهای عربی و بر علیه خلق ظفار و عمان شنیدیم محکوم میکنیم . همچنان که در اعلامیه سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان مورخ اردیبهشت ۱۳۵۱ گفته شده است :

" جنگ بر ضد خلق ظفار جنگ بر ضد خلق ایران است . پشتیبانی نرشنور و فعال از نهضت ظفار و کمک همه جانبه بوی وظیفه گنیه سازمان های ضد استعماری و گنیه هموطنان ماست . پیروز باد جنبه عادلانه خلق ظفار و عمان و گنیه خلق های عرب !

شاه ایران و عمان بنزله تاریخ !

از سلسله طرح های او در منطقه بشمار می آید . . . بنظر جبهه توده ای آزادی بخش عمان و خلیج عربی ، وظائف مهم ما در این مرحله چنین است :

۱- نیروهای انقلابی و ملی و رژیم های عربی ملی باید کنکره تسلیم طلبانه امریکائی و نتایج حاصله از آن را که هرگز بسود نهضت نجات بخش ملی عرب نخواهد بود مردود بشمارند .

۲- نیروهای انقلابی و ملی و رژیم های عربی ملی باید به بیگار وسیعی برای افشا این نقشه ها و هدف های آنها دست بزنند و وسیع ترین توده ها را برای مردود ساختن راه حل های امریکائی بسیج کنند و نبرد سیاسی و نظامی و توده های را بمنظور درهم شکستن نقشه های امپریالیستی شدت بخشند .

۳- نهضت مقاومت فلسطین یگانه نمائید ، بحق خلق فلسطین است ، و نیروهای انقلابی و ملی و رژیم های عربی ملی باید از این نهضت پشتیبانی کرده آن را از نقشه های جنایتکارانه ای که بمنظور برانداختن آن طرح میشود مصون بدارند و جبهه های عربی را بر روی آن بکشایند تا آنکه نبرد مسلحانه بر ضد سیادت نژاد پرستانه اسرائیل بپیروزی برسد .

۴- باید تاکید کرد که هدف نقشه های امریکا فقط مسئله فلسطین نیست بلکه معطوف بر مجموعه جنبه نجات بخش عربی است ، و این امر ایجاب میکند که پیوند بین بخش های مختلف جنبش انقلابی عربی بیش از پیش تقویت شود تا در برابر هجوم امپریالیسم مقاومت کنند و نگراند ارتجاع سعودی برای نیل به افراضی که در خدمت امپریالیسم امریکاست به پیش بتازد .

امپریالیسم امریکا در عین حال که کفرانس توطئه کرانه ژنورا سازمان میدهد به تقویت نظامی و مالی اسرائیل مشغول است . از مبلغ ۵/۵ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی به خارجه که سنای امریکا در ۱۸ سپتامبر تصویب کرد ۲/۲ میلیارد دلار متعلق به اسرائیل است . سوسیال امپریالیسم شوروی نیز در عین حال که از پشتیبانی اعراب دم میزند به اعزام مهاجران یهودی از شوروی به اسرائیل و ترمیم تلفات انسانی اسرائیل و نیز به مذاکرات نهانی برای تجدید روابط دیپلماتیک با آن دولت ادامه میدهد . و احزاب و روزیونیست در سراسر جهان وظیفه دیگری جز آرایش سیاست دورویانه و خیانتکارانه سوسیال امپریالیسم شوروی و سازش با امپریالیسم امریکا برای خود نمی شناسند . هفته نامه " فرانسه " نوین ارکان حزب روزیونیست فرانسه در ۲۱ نوامبر در وصف شوروی و امریکائیست که " این بار نیز آنها راه سازشی یافتند تا نخست از حریص جلوگیرند و سپس در جستجوی راه حل برآیند " . راد یوی روزیونیست های حزب توده ایران در ۲۵ اکتبر در اشاره بتصمیم امریکا و شوروی در مورد قطع جنگ در خاور میانه گفت : قطعنامه های اخیر سازمان ملل نشان داد که " ملل و دول جهان در مسئله صلح جهانی اتفاق نظر دارند " . یعنی ، بعقیده این طبل بلند بانگ روزیونیستی ، دولت امپریالیستی امریکا در مسئله صلح جهانی با ملت ها دارای نظر واحدی است و اگر او و دولت سوسیال امپریالیستی شوروی جلویگیری از جنگ عادلانه خلق های عرب دست میزنند بخاطر حفظ صلح جهانی است ! اما تکامل حوادث خاور میانه روز بروز پیشتر باعث افشا سیاست دوا بر قدرت و جاکران آنها میشود و خلق های عرب را به مرحله تازه ای از آگاهی میرساند . بدون تردید کفرانس ژنو چیزی دیگری جز بزبان مطالبات اساسی خلق های عرب بیان نخواهد آورد و بآنها خواهد آموخت که شرط پیروزی در نبرد از ابر قدرت ها ، تکیه بر نیروی خود و جنگ توده ای بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم است

یک خواننده گرامی

یک خواننده گرامی توفان فهرست نشریات ما را فرستاده و تعدادی از آنها را علامت گذاری کرده و خواستار شده و در ذیل فهرست نوشته است : " بنهای آنها نیز در تعطیلات تابستانی که کار خواهیم کرد پرداخت خواهد شد . معادل ۶۰۰ ریال باضافه کمک " متاسفانه پاکت نامه که حاکی از آدرس وی بود اشتباها از بین برده شده است . با معذرت از این دوست خواهتر مندیم آدرس خود را برای ما بفرستد تا هرچه زود تر نشریات مورد تقاضا فرستاده شود .

حزب کمونیست انقلابی شیلی در باره تجربه شیلی

آنچه روزی آید بخشی از صاحبه یکی از اعضا هیئت سیاسی حزب کمونیست انقلابی شیلی است که در مطبوعات مارکسیستی - لنینیستی انتشار یافته است.

عجالتاً اخباری که بخارج میرسد بسیار درهم است ... البته حزب ما نه بشابه یک سازمان بلکه از طریق اعضا خود که در نهضت توده‌های فعالانه کار میکردند مورد تعقیب و تعذیب قرار گرفته ... ولی تاکنون آنقدر که معلوم است کسی از رهبران حزب و یا از روزنامه نگاران سرشناس حزب اعدام نشده است ، اگر چه برخی از آنها شکنجه دیده باشند . سایر گروه ها و احزاب ، برعکس ، غالباً تلفات بسیار زیادی داده اند . چرا ؟ زیرا که ما برای چنین حادثه‌ای آمادگی داشتیم . درک این نکته از لحاظ تاریخی آسان بود که راه مسالمت آمیز به شکست منتهی انجامد . این امر بر ما روشن بود ولی خلق در وضعی بسیار دشوار و موقعیتی ضعیف بسر میبرد زیرا که برای مقابله با حواد از اسلحه مادی و نیز از اسلحه ایدئولوژیک محروم بود .

از بیش از سه سال پیش باین طرف مادر مطبوعات و تبلیغات خود تحلیل هائی درباره نیروهای مسلح شیلی منتشر ساخته ایم و ترکیب طبقاتی آنها ، روابط آنها با امپریالیسم امریکا ، آموزش ایدئولوژیک آنها و علت این پدیده ها را تشریح کرده ایم . ما حتی اشکال مختلف کودتا را که ممکن بود در شیلو رخ دهد برشمردیم و محتمل ترین آنها را همان کودتائی دانستیم که بعداً اتفاق افتاد . ما حتی باین مناسبت رسماً از پیرویه (رئیس کونئی دولت) نام بردیم . ولی کافی نیست که انسان چیزهائی را بداند و بگوید . ما توانائی بسیج توده ها را نداشتیم و فاقد پیوند گسترده با خلق بودیم .

رویزونیست ها به اشاعه انواع پندارها و امیدهای غلط دست زدند و تا آخر در نفی ماهیت طبقاتی دولت عتاد روزیدند آنها در آخرین لحظات به تبلیغات وسیعی بر سر شعار " از جنگ داخلی جلوگیری کنیم " پرداختند ، و بدیهی است که توده ها را نمیتوان با هدف منفی و غیر فعال تجهیز کرد ...

کوه جنوبی که در صد مقاومت در برابر رخنه اقتصادی امریکا هستند دارا بود . حوادث شیلی باید در دائره عمومی رقابت امریکا و شوروی در نظر گرفته شود . شوروی ها در آغاز هسته پیشرفتند ولی سپس سرعت گرفتند ، آنها آئنده را داشته که در وضع بسیار دشواری بیفتند تا بتوانند شرایط شاق تتری را بر او تحمیل کنند ...

اینکه در کشور چندین شکل مقاومت توده‌ای وجود دارد حتی تظاهرات عظمی بر ضد دار و دسته کودتاگران ، در شرا بسیار دشوار ، عملی شده است . سازمان هم تا حدی وجود دارد . هم اکنون مقاومت جنبه سیاسی یافته است . ولی معذ لک نباید امیدواری بی پایه داشت . ممکن است دار و دسته فعلی ضعیف باشد و ساقط شود اما دار و دسته دیگر جای او را خواهد گرفت . راه مسالمت آمیز بشکست انجامید و خلق شیلی درس بسیار سختی گرفته است . حالا باید این تجارب را خلاصه کند و در جستجوی راه دیگر ، جست گیری سیاسی دیگر باشد . ممکن است آگاهی بر اشتباهات حاصل شده باشد ولی این امر از دشواری حرکت بجلو ننی کاهد زیرا که نمیتوان همه چیز را در عرضیت روز عوض کرد ...

فقط یک راه باقی است و آن عبارتست از متحد ساختن خلق بر اساس یک برنامه صحیح . ولی این برنامه فقط در طی مبارزه بدست خواهد آمد ... نظامیانی که قدرت را در دست دارند مظهر نیروی مادی اند . باید نیروی مادی دیگری را در برابر آنها نهاد ...

در اثر تبلیغات افترا آمیز روئونیست ها موضع گیری جمهوری توده‌ای چین بخوبی درک نشده و حال آنکه موضع گیری مذکور کاملاً درست است .

ما از همان آغاز تا کید میکردیم که بخاطر آئنده مبارزات خویش خواستار برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و شیلی هستیم . ما پیوسته بر آن بودیم که روابط مذکور مفید است و سالها برای استقرار آنها مبارزه کردیم . البته مضمون این روابط با آنچه در زمان آئنده وجود داشت فرق میکند . چین دولت کودتاگران را بر سمیت نشناخته است . از طرف دیگر باید بخوبی دریافت که کودتای نظامی شیلی فقط یک عمل ماجراجویانه نیست که از طرف ممتنی از امپریالیست ها پشتیبانی شده باشد . فاشیسم در کشور ما پایگاه اجتماعی دارد که عبارتست از ارتش و ارتجاع .

همچنین وضع شیلی با کامبوج متفاوت است و هیچ دولت شیلی در خارج از کشور وجود ندارد .

روئونیست های شوروی کوشیدند که مسئله شیلی را وسیله حمله بر چین توده‌ای قرار دهند و روئونیست های شیلی باین کار دست زدند . جانب اینست که ریاکاری آنها را با آوردن مثال مشخصی روشن کردیم . مثال سفیر دولت آئنده در جمهور ری توده‌ای چین را سی آورییم که مطبوعات عرب بر سر آن جنجال بسیار براف انداخته اند . سفیر شیلی چون بمخالفت با کودتاگران برخاست رسماً معزول شد . این واقعیتی بود که چین نمیتوانست در باره آن تصمیم بگیرد و یا در آن مداخله ای کند . برعهده چین نبود که معین کند نمائنده کشور شیلی کیست ، چین به سفیر سابق شیلی پناهندگی داد و پیشنهاد کرد که میتواند بشابه دوست چین در آنجا بماند و از هرگونه تسهیلات برای گسترش فعالیت خویش برخوردار باشد . اگر او راه دیگری برگزید مسئولیتش برعهده چین نیست .

خلق شیلی بتجربه خود میدانند که چین پشتیبان مبارز او در راه استقلال و انقلاب است . این امر با ثبات رسیده است چین در گذشته برای تحقق اهداف ملی و دموکراتیک دولت آئنده از مساعدت بیدریغ خود باری نوزید . چین در عین حال

« ایرانی ها در آن پولیس »

واشنگتن

مجلس قانون گزای ، دیروز به دو کس رأی مخالف نظامی ایرانی با ۳۴۳ رأی موافق و ۲۸ رأی مخالف اجازه داد تا در بهار آئنده به آکادمی دریائی ایالات متحده وارد شوند . فوتنسی استوارک (نماینده حزب دموکرات از کالیفرنیا) که در رد این لایحه با فشاری میگرد گفت ایران یک دیکتاتوری نظامی است و ایالات متحده نباید خود را در تعلیم افسران آن وارد کند . لایحه به سنا فرستاده شد .

روزنامه سان فرانسیسکو کرونیکل

۲ نوامبر ۱۹۷۳

۱۰۰۰ امپریالیسم در کودتا

باین دو نوشته که نشان دهنده گفتار و کردار روئونیست ها است توجه کنید :

" پس از یک سال گفتگوها که گاه به تلخی نیز گرائید شوروی با افزایش بهای گاز طبیعی صادره را تسبی ایران به میزان ۳۵ درصد موافقت کرد ... ولی به زودی شرایط بین الطلی به صورتی دگرگون شد که ایران خود را دچار غیبن فاحش میدید نه تنها بهای گاز در خلیج فارس به تنبندی بالا رفت ، شوروی نیز در معاملات گاز خود با اروپای غربی قیمت هائی دریافت کرد که گاه چهار برابر بهائی بود که به گاز ایران می پرداخت ... "

کپیسان ۲۰ اسرداد

" ... این شیوه های نو و اسالیب تازه امپریالیست ها چیست ؟ ... ۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ - ۴۰۰۰ - ۵۰۰۰ - ۶۰۰۰ - ۷۰۰۰ - ۸۰۰۰ - ۹۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ ... بازرگانی خارجی غیر مساوی با مبارزه است - برابر که ماهیتا مانع رشد اقتصادی شده کشور را در حالت بازار فروش محصولات ساخته شده بقیمت انحصاری گران و تهیه مواد خام ارزان قیمت نگه میدارد ... ۴۰۰۰ - ۵۰۰۰ - ۶۰۰۰ - ۷۰۰۰ - ۸۰۰۰ - ۹۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ ... و با شرایط سنگین و اسارت بار اعم از سیاسی ، نظامی و اقتصادی ... "

کتاب واژه های سیاسی واجتماعی از نشریات

روئونیست های حزب توده ایران صفحه ۱۲۵

که از ایفا وعده های خود باز نایستاد از منی خائنه گذار مسالمت آمیز به سوسالیسم " پشتیبانی نکرد . نخست وزیر چون لایه در نامه ای به آئنده که در آغاز سال ۱۹۷۳ انتشار یافت یاد آور شد که طبق تجربه چین ، خلق ها باید هم در مبارزه ضد امپریالیستی و هم در انقلاب سوسیالیستی در درجه اول بر نیروی خود تکیه کنند و وابستگی قاطعی به کمک خارج و بطریق اولی به کمیت دو ابر قدرتمند داشته باشند . همچنین خطا است اگر گفته شود که چین در مورد حوادث شیلی موضع نگرفته است . چین بکرات اظهاریه های صریح و دقیق در محکوم ساختن کودتا داده است . باید بار دیگر تلگراف نخست وزیر چون لایه را به همسر آئنده از نظر گذرانید که در آنجا چون لایه نه فقط ماهیت کودتا را افشا میکند بلکه مقام والای شخصیت آئنده مراد راطه بین شیلی و چین خاطر نشان میسازد ...

اخبار جدیدی که از شیلی میرسد بد نیست . در شیلی مقاومت توده‌ای بعیق ترین معنای این کلمه وجود دارد و باید تکامل و گسترش یابد . اوضاع شیلی سرشار از امکانات است . باید از این درسی که برای خلق شیلی بسیار گران تمام شده است بعداً بهره برداشت ...

یک سال پس از موافقت نامه پاریس

یک سال از امضای موافقت نامه آتش بس و صلح در ویتنام (۲۷ ژانویه ۱۹۷۳) میگذرد.

موافقت نامه مذکور پیروزی بزرگ خلق ویتنام، خلق های هندوچین و همه خلق های جهان بود و شکست نظامی و سیاسی امپریالیسم آمریکا را در ویتنام و هندوچین اعلام میکرد، اما هرگز که سرشت امپریالیسم را میشناخت هیچگاه نمی پنداشت که امپریالیسم آمریکا با امضای موافقت نامه مذکور بشکست خویش تسلیم شود و یکباره از تجاوز برطیبه ویتنام دست بردارد. در واقع یک سالی که گذشته پیوسته شاهد نقش موافقت نامه از طرف امپریالیسم آمریکا بوده و امروز وضع در ویتنام جنوبی بیش از همیشه بوخامت گرائیده است. امروز سر فرماندهی سایگون عملیاتی بمباران سنگ و لشکر بر طیبه مناطق تحت نظارت دولت انقلابی ویتنام جنوبی دست میزند. **نگوین وان تیو** بارها به ارتش پوشالی خود فرمان داده است که در این حملات "از کلبه" مسائل "استفاده کند" تحریکات بر طیبه هیئت های نمایندگان دولت انقلابی ویتنام جنوبی و جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی روز افزون است. در برابر آفتگاه آنها نمایش های خصمانه برپا شده اند از تند از تضمین امنیت اعضا آنها خود داری میوزند، غوار بار و برق آنها را قطع میکنند و غیره. در همین حال آمریکا یک ناو هواپیما بر و شش واحد جنگی دریایی دیگر با آبهای جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی گسیل داشته است. غزوارهای اسلحه و مهمات آمریکا هر روز در بندر **سایگون** و **دانانگ** خالی میشود. تخلیه پایگاه های هوایی تایلند از قوای آمریکایی بتاخر می افتد. از پیشرفت مذاکرات بین نمایندگان طرفین جلوگیری عمل نمیکند.

در چنین شرایطی سر فرماندهی نیروهای مسلح تودهای نجات بخش از مردم و سربازان خواسته است که هشیار باشند و تحریکات دشمن "در همه جا با وسائل و با قوای مناسب پاسخ گویند تا او را به مزاحمت موافقت نامه وادارند و از جان و مال خلق و کامیابی های انقلاب دفاع کنند.

نقض موافقت نامه و توسعه خرابکاری از طرف دولت سایگون، نتایج بسیار نا مطلوبی در اقتصاد وی به بار آورده است. سراسر مناطق تحت نظارت سایگون را "تسب" برنج "فرا گرفته" و بین دهقانان از یک سو و مقامات دولتی و ارتش سایگون که میخواهند محصول دهقانان را از آنان بستانند از سوی دیگر "تبریر برنج" در جریان است. پول سایگون در عرض یک سال ۷ بار تنزل یافته است. احزاب و گروه های مخالف دولت روز بروز در مبارزه با وی مصمم تر می شوند. "نیروی سوم" برای نخستین بار بصورت مشکل وارد عمل میگردد.

برعکس در طی یک سال گذشته، عینیت و نفوذ

کمک و غارت

در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۸ هندوستان مبلغ ۴۲۰ میلیون روپیه از سوسیال امپریالیسم شوروی بمنشأ "کمک" دریافت داشته ولی در عرض همین مدت مبلغ ۵۳۰ میلیون روپیه باز پرداخت کرده و ضمناً ۴۷۰ میلیون روپیه از شوروی اسلحه خریده است. این نمونه ای از کمک امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی است. آمار نشان میدهد که شوروی ها فرآورده های خود را بقیضی ۲۰ تا ۳۰ درصد گرانتر از بهازار جهانی به هند می فروشند و محصولات او را بقیضی ۲۰ تا ۳۰ درصد ارزانتر از بهازار جهانی میخرند. این نمونه ای از غارت نامرئی امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی است.

دولت انقلابی ویتنام جنوبی در عرصه داخلی و بین المللی افزایش بسیار یافته است. کفران کشورهای غیر متعهد که در الجزیره تشکیل شد علاوه بر دولت انقلابی ویتنام جنوبی را بمنشأ یگانه نماینده اهل ایالت ویتنام جنوبی شناختند. پنج کشور آفریقایی و روسلاوی از پرزیدنت **نگوین هیر او تو** با شوق و احترام بسیار پذیرائی کردند.

در کشورهای دیگر هندوچین نیز تحول اوضاع بسود نبردهای انقلابی است. ولی تشبیهات با اخلد گرانه آمریکا - لیسام آمریکا در آنجا همانند داده دارد. چندین پیش بر فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا در اقیانوس آرام از قوهین بهد ار کرد. آنگاه رئیس جمهور آمریکا که بتازگی مبلغ ۳۳ میلیون دلار بعنوان کمک اقتصادی فوری به داروستانه لن نول داد بود از کنگره آمریکا ۲۰۰ میلیون دلار کمک نظامی برای وی خواستار شد. معذالک جبهه متحد طبعی کامبرج و دولت وی در عرصه نظامی و سیاسی بد پیروزی های درخشانی نائل آمده و می آیند و داروستانه لن نول روز بروز پیشرفت بیشتری میجوید.

در لائوس با آنکه پروتکل های موافقت نامه فوریه باضا رسیده در اجرای مفاد آنها در اثر تحریکات امپریالیسم آمریکا مواج بسیار ایجاد میشود. ولی جبهه متحد لائوس همیشگی است و اجازه نخواهد داد که دشمنان خلق آنجا را که در میدان ها نبرد بدست نیاروده اند پس از اعلان آتش بس از خلق براینند.

در تایلند سقوط داروستانه کیتیکا گرون - شاروژتین که در اثر تظاهرات بهمنابقه و غزوتین توده ها رخ داد ضربه بنزاریکی بر سیاست آمریکا و ارتجاع وارد آورد و بدون تردید در تکمیل آینده حواریت تایلند تاثیر مثبت خواهد داشت.

در چنین شرایطی، وزارت خارجه جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی در ۳۰ نوامبر اعلامیه ای در باره نقض موافقت نامه آتش بس صلح از طرف امپریالیسم آمریکا صادر کرد. در اعلامیه گفته میشود:

"از هنگام امضای موافقت نامه پاریس اجتناع به ویتنام به مباح میگردد و هنوز آمریکا در هزار کارکنان نظامی خود را زیر پوشش کارکنان غیر نظامی در ویتنام جنوبی نگه داشته و هزارها نفر دیگر را مخفیانه وارد ویتنام جنوبی کرده و میکند.

اینک تعداد کارکنان نظامی آمریکایی در ویتنام جنوبی به ۲۴۰۰۰ بالغ میگردد که در کلبه شیب وزارت دفاع ملی، در نیروهای مسلح و در واحدهای اختصاصی، در سازمان های پلیس، در اطلاعات و در اداره "تأمین آرامش" دولت سایگون بمنشأ "رایزن" بکار مشغول اند.

در همین حال آمریکا برای اینکه دستگاه ریزنشان خود را بچرخاند سازمان های نظامی سابق را بصورت سازمان های "غیر نظامی" در آورد ماست. آمریکا بلافاصله پس از امضای موافقت نامه پاریس راجع به ویتنام، چهار کسولگری در **دانانگ**، **نهایتراک**، **بین هوا**، و **کان تپو** تاسیس کرد که در واقع فرماندهی های منطقه ای آمریکا در جنوب فرماندهی های چهار منطقه نظامی - ۱، ۲، ۳، ۴ - از ارتش سایگون بشمار میروند. از طرف دیگر هیئت های نمایندگان نظامی متعددی از آمریکا برای بررسی وضع و نظارت بر اجرای نقشه های آمریکا به ویتنام جنوبی می آیند. آشکار است که آمریکا میخواهد به تعهدات نظامی و مذاکرات خویش در امور داخلی ویتنام جنوبی بکی خاتمه دهد. وی از نیت شوم خود در اثر استغنا

انجمن روستائی!

یکی از دستگامهایی که بناسبت اصلاحات ارضی شاه بوجود آمده انجمنی است بنام "انجمن روستائی بانوان". چند سطر زیرین از شماره مهر ماه مجله "دهقان روز" برای شناساندن ماهیت این انجمن روستائی کافی است: "انجمن روستائی بانوان گرچه بظاهر در دراز ماه جلسه ای نداشته ولی عملاً هم تعطیل نبوده است. خانم پاریسی به آمریکا، خانم طک بهر به انگلستان و خانم بحسنی زاده به پاریس صافرت نموده اند. ای سیاستگر واشنگتن و لیبون و پاریس! ترا با روستا چه مناسبت، و روستائی را با توجه مشابهت؟

دیسوی «تمدن بزرگ»!

بعد از احداث شبکه فاضلاب (تهریز) که چندین میلیون صرف ساختمان آن شده است تازه مسئولان امر متوجه میشوند که شیب کانال های خیابان ضمیم و خیابان خاقانی معکوس است و بجای آنکه فاضلاب را از شیب خیابان کشد به وسط شهر انتقال میدهد. بوی تعفن شدید در چند نقطه شهر تهریز بلند است!

اطلاعات ۱۳ شهریور ۱۳۵۲
ولی مطلعین گزارش میدهند که شیب چند میلیون تومان هزینه ساختن فاضلاب کانال طبیعی بود و میلیون های مذکور مستحقاً و بدون هیچ رفتن به جیب مسئولان انتقال یافته اداری سرانبر شده است!

از دولت نگوین وان تیو بشناخه اقرار اجرائی نقشه های نواستعماری در ویتنام جنوبی و در اکثر براد است. تقسیم ویتنام صرف نظر نکردن استداین امریکانست که از دولت سایگون حمایت میکند و او را در توسل به ماجراجویی های نظامی در ویتنام جنوبی مورد تشویق قرار میدهد. آمریکا باید مسئولیت نقض غلطی را که از نقض موافقت نامه حاصل میشود بپذیرد.

دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی با پشتیبانی کامل از اظهارات وزارت خارجه جمهوری ویتنام جنوبی، حواریت نقض موافقت نامه پاریس بوسیله آمریکا را شدیداً افشا و محکوم میکند. دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی مصیبتی از آمریکا میطلبد که کلبه کارکنان نظامی خود را که بصورت غیر نظامی در آمده اند و منجمد کارکنان نظامی فنی و کارکنان نظامی وابسته به برنامه "تأمین آرامش" ریزنشان سازمان های شبه نظامی و ریزنشان نیروهای پلیس دولت سایگون را فوراً کاملاً فراخواند. به تعهدات نظامی و مذاکرات خویش در امور داخلی ویتنام جنوبی یکباره خاتمه دهد و کلیه مواج موافقت نامه پاریس را راجع به ویتنام جنوبی و اعلامیه ضمیمه آن مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۳ کاملاً بی موقع جزاً در آورد.

اطلاعه دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی و دولت انقلابی ویتنام جنوبی مورد پشتیبانی کامل خلق های جهان است. خلق های جهان از پیروزی های درخشانی خلق های سگانه هندوچین بقیضی لبریی ها و بنایانی های بی افتخار در میدان نبرد بدست آورده و می آورند با جان و دل دفاع خواهند کرد. دست خنثی نگار امپریالیسم آمریکا از هندوچین کوتاه! درود بزشور و خلق ویتنام، کامبوج و لاوس! بفرزندان جنگهالان نه خلق کامبوج بر طیبه سوزان آمریکا! لیسام آمریکا!

آیا شعار افزایش دستمزدها کارگران... بقیه از صفحه ۶

رایگان زمین بد هفتان "شمار مرحله" دموکراتیک نیست؟ پس چرا از ذکر آن خودداری نکردید؟ مگر ماده ۲ برنامه: "استقرار آزادی ها و حقوق دموکراتیک از قبیل آزادی مذہب بیان، مطبوعات، اجتماعات، سندیکاها و احزاب برای نیروهای خلقی" "شمار مرحله" دموکراتیک نیست؟ پس چرا آن را حذف نکردید؟ مگر شعار "حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود" در "مرحله" عالی تر انقلاب اعتبار خود را از دست میدهد که جنبه ملی آن را از برنامه خود تبعید کرده است؟ اصولاً کدام یک از مواد برنامه شما متعلق به مرحله بالاتر از مرحله دموکراتیک است تا در ماده مربوط به طبقه کارگر در جستجوی شعار "مرحله عالی تر" باشید؟

نه دوستان عزیز! جای خالی برنامه را نمیتوان با حجم اندک پر کرد. برنامه ای که کمترین شعاری درباره طبقه کارگری نداشته باشد و حق ملت ها را در تعیین سرنوشت خویش و تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد را مسکوت بگذارد البته مورد قبول بورژوازی ملی ایران و ناسیونالیست ها و خرافاتیان نمیتواند باشد ولی بر نزد زحمتکشان ایران خلقی نخواهد داشت.

"ایران آزاد" در اثر توجه عمیق تر به مسائل تاریخی و ایدئولوژیک "باین نتیجه رسیده است که شعار افزایش دستمزدها کارگران" با وجود ظاهر فریبنده اش شعار تاریخی بورژوازی است، بنا بر این ادعا، کوبا بورژوازی با شعار افزایش دستمزدها کارگران قدم بحرصه تاریخ نهاده است!

اما حتی آهائی هم که به مسائل تاریخی و ایدئولوژیک توجه عمیق ندارند میدانند که شعار تاریخی بورژوازی عبارت بود از آزادی تجارت، آزادی فروش نیروی کار، آزادی سرمایه آزادی رقابت. هیچگاه شعار بهبود زندگی کارگران - شعار بورژوازی نبوده است. بورژوازی و پرولتاریا دو طبقه متضاد آشتی ناپذیراند. سود یکی در زیان دیگری است. بهبود زندگی کارگران و افزایش دستمزدها آنها شعار مطالباتی طبقه کارگر است که در اثر مبارزات سرسخت تا حدودی به بورژوازی تحمیل میشود. این شعار نه فقط در دوران انقلاب دموکراتیک تیک ملی بلکه در مرحله تدارک انقلاب سوسیالیستی و منظور دفاع از حقوق کارگران، تجهیز آنها و کشاندن آنها به مبارزات صنفی و سیاسی، از مبرم ترین شعارهای مطالباتی طبقه کارگر بشمار می آید.

بر نیروی خود تکیه کنیم. بقیه از صفحه ۶

بورژوازی ملی کوتاه خواهد بود.

اینست نکته ای که رفقای حوزه فوق تحت عنوان تکیه بر نیروی خود مطرح کرده اند.

اماتکیه بر نیروی خود در رابطه های دیگری نیز مطرح میشود و منجمله در رابطه با سایر احزاب و سازمان های مارکسیستی و لنینیستی برانز.

کلیک احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی به یکدیگر مظهری از انترناسیونالیسم پرولتری است و هرگز قطع نمیشود این کلیک فقط ایدئولوژیک و سیاسی نیست بلکه کلیه اشکال ممکن را بر حسب شرایط و اوضاع و احوال در بر میگیرد. هیچ حزبی اعم از بزرگ و کوچک از چنین کلیکی بی نیاز نیست و هر حزبی بنوبه خود موظف به چنین کلیکی است. اما کلیک احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی برادر هر قدر گرانها و موثر باشد از حدود "کلیک" نمیتواند بگذرد و نقش تعیین کننده برای پیروزی برعهده سازمان سیاسی طبقه کارگر هر کشور است. اگر سازمان سیاسی طبقه کارگر با کوششی مستمر به ایفاء وظیفه خود، یکی در برابر طبقه کارگر کشور خویش و دیگری در برابر طبقه کارگر جهانی، بپردازد مسلماً در پیروزی از کلیک همه

جانیه احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی برخوردار خواهد شد و بدین طریق مساعی او زودتر بشر خواهد رسید. ولی هرگاه سازمان سیاسی طبقه کارگر نتواند برای ایفاء این دو وظیفه سریای خود بایستد هیچ کلیکی نخواهد توانست با قابلیت حیات ببخشد.

چه بسا که برای دریافت کلیک شرایطی لازم است که فرا آورند آنها برعهده همان حزبی است که نیاز به کلیک دارد. اخیراً یکی از اعضا هیئت سیاسی حزب کمونیست انقلابی شیلی در مصاحبه ای در این مورد چنین توضیح داد: "در دوران مبارزه خلق چین، جنگاوران چینی به کوهستانی مشرف بر بندر کانگژو پناه برده بودند ولی بندر را در اختیار نداشتند. انترناسیونالیست های کمونیست یک کشتی اسلحه بزرگ برای آنها فرستاده بود ولی کشتی مذکور نتوانست تخلیه کند و بناچار با بار خود دور شد. رفقای چینی از کوهستان میدیدند که کشتی دور میشود. این نشان میداد که آمادگی برای کلیک کافی نیست بلکه باید شرایطی عینی برای تحقق کلیک فراهم آید."

از اینجهت تکیه بر نیروی خود یکی از اصول سازمان سیاسی طبقه کارگر است، خواه در دوره مبارزه برای بدست آوردن قدرت دولتی و خواه در دوره ساختن دموکراتیک و سوسیالیستی جامعه. البته تکیه بر نیروی خود مستلزم درگیری با دشواری های فراوان و تحمل پیکارهای طولانی است ولی در عوض، سازمان سیاسی طبقه کارگر با قدم های مطمئن پیش میرود. از پیش آمده های غیرمترقب باک ندارد. آینده میشود و در مجمع احزاب برادر "یازدهم خواهد بود نه بار خاطر".

سازمان مارکسیستی - لنینیستی پیوسته اصل تکیه بر نیروی خود را شعار خویش ساخته است. سازمان ما هرگونه کلیک احزاب و سازمان های مارکسیستی لنینیستی برادر را مایه مباحثات و موجب سیاسی سازی دانسته ولی در حل مشکلات خویش همواره به رفقای سازمانی، به هواداران و به جامعه گرد است. البته اگر امکانات بیشتری در دسترس سازمان ما بود سریع تری می یافت. اما بدون تردید تلاش سازمان مادر تکیه بر نیروی خود آنچنان مایه ای باو بخشیده است که در رشد مطمئن آینده، اوتاثیرات بسیار مثبت خواهد داشت. ما یقین داریم که سازمان مادر آینده از کلیک بیشتر احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی برخوردار خواهد شد. اما هرکلیکی باید مشوق مادر پیروی از اصل تکیه بر نیروی خود باشد. رفقای ما و هواداران باید پیوسته بوظائف خطیری که در برابر سازمان ماست، به وظیفه احیاء حزب در عرصه ایران، به پیکار وسیع ایدئولوژیک و سیاسی، به سازماندهی در عرصه ها و در توده های مختلف، و به نیازمندی های روز افزون سازمان توجه داشته باشند و با ابتکارات خود امکانات جدیدی برای سازمان فراهم آورند.

ماهنامه ۳۰۰۰۰۰ ریال

چنانکه میدانید باشکاهای ورزشی تهران هر کدام ماهیانه مبلغی بعنوان "کلیک" از دولت دریافت میدارند ولی طرز تقسیم کلیک مذکور بسیار جالب است: کلیک دریافتی ماهیانه باشگاه ۳۰۰۰۰۰ ریال "کلیک" میگیرد. میدانید باشگاه مذکور متعلق به کیست؟

به شعبان جعفری طبق به تاج بخش و مشهور به بیخ! کی میتواند بگوید که محمد رضا شاه حفظار نواز و تک شفا نیست؟

دربحران نفت رویزیونیست های... بقیه از صفحه ۶

"اتحاد شوروی مشغول بررسی توسعه میدان نفتی تیسو من (در سیبری غربی) است و این کار را در درجه اول نبره ای مصرف داخلی بلکه برای تحویل نفت بزرگ انجام میدهد". یکی از مسائل عمده ای که نخست وزیر ژاپن در موقع دیدار از مسکو مطرح کرد نگرانی او از بحران نفت و انرژی بود. خبری گزارشی ها خبر میدهند که "نخست وزیر ژاپن با اشاره به آگرا خویش با رهبران شوروی و منجمله برژنف، تأیید کرد که بهره برداری از سیبری بوسیله شوروی و ژاپن مشترکاً عملی خواهد شد. از منابع دیپلماتیک ژاپنی آگاهی میرسد که در همین روزها رسکومنتر رسیده هیئتی ژاپنی از کارشناسان نفت و گاز هستند که پس از خاتمه مذاکرات به بررسی مناطق باقوتستان در سیبری خبرگزاری آلبانی - ۹ دسامبر ۱۹۷۳

"ایران آزاد" از "مرحله" عالی تر صحبت میدارد ولی نمیگوید که این کدام مرحله است؟ آیا مرحله سوسیالیستی است یا مرحله ای که رویزیونیست ها "مرحله" رشد غیرسرمایه داری مینامند؟ اینهنه ابهام برای چیست؟ مسلماً برای روشن شدن مواضع ایدئولوژیک نیست. مسلماً بسود طبقه کارگر ایران نیست. مسلماً بوحود واقعی و نه صوری - نیروهای انقلابی کلیک نمیکند. جالب توجه است که این ابهام در اکثر نوشته های "ایران آزاد" چشم میخورد. در همین شماره در مقاله دیگری باین عبارت برمیخوریم: "نیروهای انقلابی باید از ابتدا خود را آماده کند و طبقه را آگاه ساخته و در خو مبارزه های کاجتتباب ناپذیر است تجهیز کند".

کدام طبقه را باید آگاه ساخت و تجهیز کرد؟ طبقه کارگر را؟ دهقانان را؟ بورژوازی ملی را؟ مگر مسلم نیست که خلق ایران از طبقه واحدی تشکیل نمیشود و تکیه بر طبقات مختلف به نتایج اجتماعی مختلف خواهد انجامید؟ پس چرا "ایران آزاد" اصرار دارد که هم از طبقه صحبت کند و هم آن را مبهم بگذارد؟

"ایران آزاد" در همین مقاله در بیان مشکل انقلاب در شیلی "مینویسد: عدم وجود هژمونی و سازمان با قدرت انقلابی که از پشتیبانی کامل طبقه برخوردار باشد... ولی منظور از "سازمان با قدرت انقلابی" کدام سازمان است؟ سازمان کارگران؟ سازمان دهقانان؟ حزب طبقه کارگر؟ گروهی که همای کواریت؟ کدام یک؟ این سازمان مینویست از پشتیبانی طبقه برخوردار باشد... ولی کدام طبقه؟ بورژوازی ملی؟ خرد بورژوازی شهری؟ دهقانان؟ کارگران؟ کدام یک؟ خواننده "سرکشته باید این "کدام" هاراد ر کجا جستجو کند؟

چه خوبست که "ایران آزاد" در همین شماره مینویسد: "از همه آزادخواهان میخواهیم که نظر خود را اعم از تأیید یا انتقاد، از نکاتی که نوشته شده و یا نکاتی که باید بعین اضافه شود، با ما در میان بگذارند". ما این خواست دوستان جنبه ملی را انجام دادیم و خواهیم داد.

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

شاه ایران و عمان بمنزله تاریخ!

آیا شعار افزایش دستمزد کارگران شعار انحرافی است؟

شماره ۷۵ توقان متضمن مقاله "تحلیل طبقاتی سیاست نفی طبقات" (در پیرامون طرح برنامه جبهه ملی) در حال انتشار بود که روزنامه "ایران آزاد" شماره ۸۷ متضمن مقاله "بر باره طرح برنامه سیاسی جبهه ملی ایران" بدستما رسید. مقاله اخیر میگوید که مهم بودن طرح برنامه و فقدان شعارهای مشخص را توجیه کند و چنین میگوید:

در برنامه "ارتقای هدف" به هدف های فوری و دراز مدت خود داری شده "زیرا که" هدف های فوری عدل می تواند در جهت مخالف راهی باشد که هدف های دراز مدت برجسته دید دیگری آن را می طلبد. برای مثال از آوردن "از بیاد حقوق کارگران بنحوی که وسائل معیشت آنها را تأمین کند" و عباراتی نظیر آن ... خود داری شده است.

چرا خود داری شده است؟
زیرا که کسانی که مسائل تاریخی و ایدئولوژیک توجیه عمیق تری دارند خوب میدانند که این شعار یا وجود ظاهر فریبند هاش شعار تاریخی روزروزی است. برای کسانی که در درکشان از انقلاب مکرراتیک ملی که از ارزشمندی و رشد سرمایه

داری اجتناب ناپذیر است. البته باید این شعار کتبناشد شود. ملی برای ما که این مرحله را در این عصر انحرافی میدانیم و معتقدیم که انقلاب مکرراتیک ملی میتواند جامعه را بدون عبور از مرحله کلاسیک سرمایه داری بسوی مرحله عالی تری سوق دهد. کتبناشدن این شعار انحرافی تلقی میشود. پیش از آنکه استدلال مذکور را بشکافیم باین واقعیت مورد اعتراف "ایران آزاد" توجه کنیم که جبهه ملی - بهر دلیل که باشد - هیچ شعاری در باره "طبقه" کارگر ایران ندارد و همانطور که توقان شماره ۷۵ نوشت: "در ۱۱ ماده پیشنهاد جبهه ملی که در واقع برنامه دولت مطلوب آینده است طبقه کارگر ایران فاقد حتی یک ماده است".

خلاصه مفهوم عبارت ایران آزاد، پس از زدن شاخ و برگها و ایضا و اشارات، چنین است که: "چون شعار افزایش دستمزد کارگران شعار مرحله مکرراتیک است و نه جنبه انقلابی" عالی تر انقلابیم از ذکر آن خود داری کردیم.

باید پرسید مگر ماده ۸ برنامه در باره "واگذاری" بقیه در صفحه ۵

بر نیروی خود تکیه کنیم

یکی از خوزه های سازمانی در بیان گزارشی مینویسد: این جریان "برای العین ثابت کرد که تازمانی که خود نیروی نسیم و توده ها عملها نشانند بسادگی عرمنطق - صحنی هم که از طرف ماعنوان شود محکوم به برشاری است و کار در توده ها و تقویت پشت جبهه، هسته اصلی فعالیت و تشکیل میدهند. دیگر اینکه میبایست در برنامه و عملی قبل از هر چیز و مقدم بر همه بر نیروی خود متکی باشیم، در عین حال که هر نیروی کئی را که بتواند در رسیدن به هدفان موثر باشد با آغوش باز می پذیریم".

این نتیجه گیری، نشانه همیاری و سطح بالای آگاهی است.

سازمان سیاسی طبقه کارگر پیوسته در جستجوی اتحاد با طبقه نیروهای انقلابی و مخالف رژیم است و میگوید که هیچ متحد مکی را، هر قدر هم ضعیف، دورل و کدر باشد، از دست نداد. ولی اگر خود او در توده ها ریشه نهاده باشد و جلب آنها را در درجه اول اهمیت قرار دهد از نزد متحدان احتمالی بدست خالی برخواهد گشت و اگر هم اتحاد عملی شود جنبه صوری خواهد داشت و فقط در سطح بالای رهبری باقی خواهد ماند. چه بسا که بصورت سازشی غیر اصولی درخواهد آمد باید از توده ها جدا شود و هر اتحادی را بعنوان وسیله عبور به مرحله بالاتری از کار در توده ها و نفوذ در آنها مورد استفاده قرار داد.

البته وشقه سازمان سیاسی طبقه کارگر است که در اتحاد با سایر نیروهای انقلابی و مخالف رژیم پیشقدم باشد باز بهانه جوشی ها نرند و شیات اصولی را با نرزش بسیار بیامیزد و از هر جاده مساعی برای تجدید تماس و مذاکره استفاده کند. ولی در عین حال نباید از یاد برد که اتحاد شرایط عینی لازم دارد و یکی از آنها نیرومندی نسبی سازمان سیاسی طبقه کارگر است و این نیرومندی جز از طریق پیوند با توده ها حاصل نخواهد شد.

مخالوفین این امر، اتحاد استراتژیک با روزروزی ملی است. در کشور ما روزروزی ملی یکی از نیروهای محسوس انقلاب مکرراتیک نون است و میتواند در شمار کارگران، دهقانان، خرد و روزروزی شهری و روستای فکرا انقلابی در جبهه واحد ملی ضد امپریالیستی بر تحت رهبری طبقه کارگر شرکت جوید. سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران پیوسته اتحاد با روزروزی ملی را در برنامه خود دارد. ولی روزروزی ملی فقط در شرایط معینی که منافع طبقاتی او تشخیص دهد، در صورت نیرومندی سازمان سیاسی طبقه کارگر، باین اتحاد خود دروید. سازمان سیاسی طبقه کارگر بدون پیوند با طبقه خود و با توده دهقانان نمیتواند از اتحاد با روزروزی ملی در خارج انقلاب مکرراتیک نون بهره بردار گردد. اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی جبهه ملی ضد امپریالیستی است که روزروزی ملی میتواند عضو آن باشد.

البته در اینجا صحبت از اتحاد استراتژیک با روزروزی ملی است یعنی اتحادی که مربوط به عی بیث مرحله انقلابی است. با روزروزی ملی میتوان در این پان مسئله، در این یا آن نبرد نیز متحد شد و طبقه ما است که پیوسته در جستجوی این اتحاد باشیم و زمینه را برای اتحاد استراتژیک فراهم آوریم. ولی در هر عی از این اتحاد ما هم باید کار در توده را پایه قرار دهیم و بدانیم که بدون چنین کاری دست ما از زمین بقیه در صفحه ۵

در بحران نفت

رویزیونیست های شوروی

به یاری انحصارهای امریکائی و ژاپنی می شتابند

رقن کارشناسان امریکائی به شوروی و شروع آنها با کشف در نواحی منابع نفت و گاز، و همچنین دعوت سمیناری بنظر روزهای شوروی و آمریکا در زمینه انرژی، که خبر آن در همین روزها منتشر شد و محل تشکیلش در نیویورک خواهد بود، نشان میدهد که محافل انحصاری امریکائی در لحظات دشوار بحران تا چه اندازه بکک شوروی امیدوارند.

زاین که در بحران نفت و انرژی عوطه میزند بسیاری بظن است که بر روی نفت و گاز سیری دست بیندازد. رویزیونیست های شوروی نسبت باوهم بیدرینانند. خبرگزاری ژاپنی خبر میدهد که نخست وزیر ژاپن، تاناکا، اظهار داشته است: بقیه در صفحه ۵

خبرگزاری های مطبوعاتی خبر میدهند که بر روزهای اول دسامبر گروهی از زمین شناسان و مهندسان امریکائی وابسته به شرکت "اکسیدنتال پترولوم" و "ال پاز و گاز کینی" وارد یاقوتستان (در سیبری) شده اند.

خبرگزاری فرانسه پرس اعلام میدارد: "در لحظاتی که کلبه کشورهای غربی بر جستجوی منابع جدید انرژی هستند این کارشناسان، که نخستین بیگانگانی هستند که از طرف شوروی ها اجازه یافته اند باین منطقه قدم بگذارند، با موریات در این اندازه، نه خاگر گاز طبیعی یاقوتستان و تخمین میزنند. با آنکه شوروی ها کار بر میدان های نفت و گاز را طبق مقررات خود عموما در دستهای منهای ۳۵ درجه تعطیل میکنند اینک در سرمای منهای ۵۰ و ۵۵ به حفاری ادامه میدهند. عیث کارشناسان امریکائی، قرار است چند هفته در میدان های گاز بماند، با آزمایش های زلزله نگاری و نمونه برداری بپردازند. مذاکرات شوروی و آمریکا بنظر امضا قرار داد قطعی برای بهره برداری از ذخائر گاز یاقوتستان در عرض چند هفته کشف کارشناسان امریکائی برگردانند و نخستین گزارشهای خود را بدهند از سر گرفته خواهد شد.

گروه مهندسان و زمین شناسان امریکائی، کار خود را در جستجوی منابع جدید گاز بر طبق موافقتنامه های آغاز کرده اند که بین کینی های "اکسیدنتال پترولوم" و "ال پاز و گاز کینی" و اتحاد شوروی باضا رسیده است و بموجب آن اتحاد شوروی بزرگمات ۲۵ سال گاز طبیعی بآنها تحویل خواهد داد. طبق اظهارات رئیس "اکسیدنتال پترولوم"، بموجب طرح آمریکا نباید یک خط لوله گاز بطول ۳۰۰۰ کیلومتر کشیده شود تا گاز را از منابع به بندر برسانند و ۳۰ کشتی لازم است تا گاز را با آمریکا حمل کند. همچنین برای نایع سازی گاز باید کارخانه های ساخته شود. مجموعه متخرج این طرح، بدون محاسبه قیمت کشتی ها، بالغ بر ۲ میلیارد دلار خواهد بود.

انبته اینکه کارشناسان امریکائی در شرایط خوبی بسیار دشوار با کشفیات آغاز کرده اند بدون دلیل نیست. این کار در موقعی صورت میگیرد که بحران خطیر نفت و انرژی برتراسر جهان ضراباید اری و روزروزی آمریکا حکمفرماست. در همین لحظه ای رویزیونیست های شوروی ببتابه همکاران نزدیک انحصارهای امریکائی و یکک آنها می آیند و به کارشناسان آنها اجازه میدهند که بناطقی که سابقا برای بیگانگان ممنوع بود قدم بگذارند.

چین توده های کامبوج

در اثر شایعاتی که برخی از خبرگزاری ها درباره مسافرت وزیر خارجه آمریکا به چین و ارتباط آن با حوادث کامبوج پراکنده بودند نردن خیانتات تلگراف نردن را در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۳ به خبرگزاری آسوشیتد پرس مخابره کرده است.

"من میتوانم در برابر جهان تاکید کنم که جمهوری توده های چین به جبهه متحد ملی کامبوج و دولت انقلابی متحد ملی کامبوج به نیروهای مسلح توده های آزادی بخش ملی، و نه به شخص سیهانوک که موضع گیری بیخنده و تخنیر ناپذیر او مورد پشتیبانی کامل و خلل ناپذیر چین است و خواهد بود هرگز خیانت نخواهد ورزید. جناب جوئی گانگ زاین مورد هیچ محلی برای سوءتفاهم در ذهن مخاطب امریکائی خود کیسینجر باقی نگذاشته است. من بنام جبهه متحد ملی کامبوج و دولت انقلابی متحد ملی کامبوج و نیروهای مسلح توده های منجمله خبرها سرخ، یعنی بنام مجتوعه نیروهای مقاومت که رئیس جمهور مسلم آنها هستند رسما و صریحا اعلام میدارم که دولت انقلابی متحد ملی کامبوج، که بتامی در مناطق آزاد شده مستقر است و در آنجا تحت ریاست آقای کیو سامفان میباشد هیچگاه با خائنان قوم بین و تیروی سونگد ز نظر جبهه متحد ملی چیزی دیگری جز خیانت پیشه نیست هرگز تماس نخواهد گرفت و نخواهد کرد و بنابر نخواهد کرد تا جعفر شد باینکما شتی و انتلاف تن در دهند. خبرهای سرخ از من خواسته اند که این موضوع کیسینجر را کموضع گیری آنهاست و همیشه خواهد بود با اطلاع جهان باین برسانم."

مخالوفین این امر، اتحاد استراتژیک با روزروزی ملی است. در کشور ما روزروزی ملی یکی از نیروهای محسوس انقلاب مکرراتیک نون است و میتواند در شمار کارگران، دهقانان، خرد و روزروزی شهری و روستای فکرا انقلابی در جبهه واحد ملی ضد امپریالیستی بر تحت رهبری طبقه کارگر شرکت جوید. سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران پیوسته اتحاد با روزروزی ملی را در برنامه خود دارد. ولی روزروزی ملی فقط در شرایط معینی که منافع طبقاتی او تشخیص دهد، در صورت نیرومندی سازمان سیاسی طبقه کارگر، باین اتحاد خود دروید. سازمان سیاسی طبقه کارگر بدون پیوند با طبقه خود و با توده دهقانان نمیتواند از اتحاد با روزروزی ملی در خارج انقلاب مکرراتیک نون بهره بردار گردد. اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی جبهه ملی ضد امپریالیستی است که روزروزی ملی میتواند عضو آن باشد.

البته در اینجا صحبت از اتحاد استراتژیک با روزروزی ملی است یعنی اتحادی که مربوط به عی بیث مرحله انقلابی است. با روزروزی ملی میتوان در این پان مسئله، در این یا آن نبرد نیز متحد شد و طبقه ما است که پیوسته در جستجوی این اتحاد باشیم و زمینه را برای اتحاد استراتژیک فراهم آوریم. ولی در هر عی از این اتحاد ما هم باید کار در توده را پایه قرار دهیم و بدانیم که بدون چنین کاری دست ما از زمین بقیه در صفحه ۵

باز هم دادستان ارتش بدستور شاه
برای ۱۲ تن از فرزندان خسلق
تقاضای حکم اعدام کرده است

دست جلاد از جان فرزندان خلق کوتاه!